

بررسی میزان شناخت والدین از قابلیت های روانشناختی و فیزیکی فرزندان ۳ تا ۶ سال بر اساس برنامه کودک شو شبکه نسیم

۶ سال بر اساس برنامه کودک شو شبکه نسیم

یوسف کرجی^{۱*}، زهرا مظاهری^۲

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳	هدف این پژوهش، بررسی میزان شناخت والدین از قابلیت‌های روان‌شناختی و فیزیکی فرزندان ۳ تا ۶ سال بر اساس برنامه کودک شو شبکه نسیم بود. روش پژوهش در مرحله اول، کیفی (پدیدارشناسی) و در مرحله دوم نیز توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی قسمت‌های سری سوم برنامه کودک شو اجرا شده در شبکه نسیم، در سال ۱۳۹۷ بود. نمونه پژوهش حاضر شامل ۸۱ خانواده شرکت‌کننده در برنامه کودک شو بود. برای قابلیت‌های فیزیکی از سؤالات اتاق بازی کودک-والد استفاده و برای قابلیت‌های روان‌شناختی با روش کلایزی ۵ مفهوم کلی، علائق، روابط بین فردی، مؤلفه عاطفی، مؤلفه رفتاری و مؤلفه شناختی بر اساس سؤالات مطرح شده در برنامه به دست آمد و برای تعیین اعتبار آن از روش سه‌سوسازی استفاده شد. سپس بعد از کدگذاری سؤالات به صورت دستی، مؤلفه‌ها بر اساس پاسخ درست و غلط والدین، به صورت آزمون‌های فراوانی و درصد و آزمون خی دو توصیف و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که در مجموع ۶۳۸ سؤال (۵۶۱ سؤال روان‌شناختی و ۷۷ سؤال فیزیکی) از والدین پرسیده شده است که آنها ۴۳ درصد جواب درست و ۵۷ درصد پاسخ نادرست داده‌اند. همچنین نتایج آزمون خی دو نشان داد که بین پاسخ درست و نادرست والدین به قابلیت‌های کودک به جز روابط بین فردی، تفاوت معناداری مشاهده شد؛ یعنی والدین به‌طور معناداری شناخت دقیقی از ویژگی‌های فیزیکی و روان‌شناختی فرزندان خود نداشته‌اند. در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که شناخت والدین از قابلیت‌های فیزیکی و روان‌شناختی کودکان خود، پایین و ناکافی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود به والدین در راستای شناخت دقیق‌تر از ویژگی‌های روان-شناختی فرزندان خویش آموزش‌های لازم داده شود.
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴	
نوع مقاله: پژوهشی	
واژگان کلیدی	
شناخت والدین، قابلیت‌های فیزیکی، ویژگی‌های روان-شناختی، برنامه کودک شو، شبکه نسیم	

۱. نویسنده مسئول: گروه روانشناسی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران. ✉

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی دانشگاه آزاد اسلامی خمینی شهر، اصفهان، ایران

مقدمه

امروزه این واقعیت پذیرفته شده است که کودکان در سنین طفولیت تنها به مراقبت جسمانی نیاز ندارند، بلکه باید به همه نیازهای آنها از جمله مسائل عاطفی و روان‌شناسی توجه کرد. از آنجایی که والدین مراقبان اصلی کودکان کم سن و سال هستند، کیفیت و کمیت حتی دانش تربیتی آنها برای بهبود رشد و سلامتی کودکان حیاتی است. از آغازین روزهای تولد، کودکان در حال یادگیری هستند و بر والدین و دیگر مراقبان تکیه می‌کنند تا از آنها حس مراقبت و حمایت را دریافت کنند. تأثیر والدین شاید در هیچ دوره‌ای به اندازه دوران کودکی اهمیت نداشته باشد. در این دوران مغز کودک به سرعت در حال یادگیری است و تجاربی که والدین و اطرافیان برای او فراهم می‌آورند اهمیت زیادی دارد (بردسلی و تروست، ۲۰۱۶). بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه فرزندپروری، بر جنبه‌های رفتاری فرزندپروری مانند ارتباط بین رفتارهای تعاملی مادر و رشد کودک تمرکز دارند (پارک و ون، ۲۰۰۹)، اما محققان زیادی بر این باورند که جنبه‌های شناختی فرزندپروری همانند جنبه‌های رفتاری آن، حائز اهمیت بوده و باید مورد بررسی قرار گیرند (بورنستین، ۲۰۰۶)؛ زیرا شناخت‌ها، در تعیین راهکارها و رفتارهای پرورش فرزند نقش داشته و رشد فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیگل و مک گیلیکادی، ۲۰۰۳).

سال‌های اول زندگی، به علت تکامل عملکردهای اصلی همچون رفتار، عواطف و انگیزش، دوره حساسی است. کودک برای رشد و تکامل و آینده‌ای کارآمد، نیاز به محیطی مساعد دارد. محیطی که نحوه ارائه مراقبت از سوی والدین راه اصلی رسیدن به آن است. مراقبت یعنی درک کردن، شناختن، دوست داشتن، پذیرفتن، تحریک انگیزه‌ها، تأمین نیازهای تغذیه‌ای، پوشاک، بهداشت و هر آنچه برای سلامت جسمی و روانی کودک لازم است (اسدالهی و همکاران، ۲۰۱۶). کودکان پیش از پنج سالگی فرمانبردار و تابع هستند. اگر به روش‌های نیکو عادت کنند، این عادت در آنان مستمر می‌شود و اگر به بی‌بندوباری عادت کنند، پس از راسخ گشتن این عادت در آنان، تغییر آن دشوار است (کین و چاپمن، ۲۰۰۸). سال‌های پیش از دبستان، یعنی ۳ تا ۵ سالگی یکی از مهم‌ترین دوره‌های رشد از نظر روان‌شناسان کودک است و سرآغاز درونی کردن معیارهای والدین از جانب فرزندان به شمار می‌آید (شرودر و گوردون، ۱۳۹۳).

افزون بر این، در اغلب فرهنگ‌ها در سراسر دنیا، فرایند اجتماعی‌سازی کودکان از اواخر سال دوم زندگی آغاز می‌شود و کودک از طریق تأیید یا عدم تأیید والدین و دیگران درباره معیارهای خانواده و جامعه در ارتباط با رفتار مطلوب و نامطلوب می‌آموزد. همچنین بسیاری از قابلیت‌های کودک مانند خودآگاهی، استقلال و پیچیده‌تر شدن مهارت‌های شناختی در همین دوران پی‌ریزی می‌شود که این قابلیت‌ها زمینه‌ساز تعاملات جدید و غالباً فشرده کودک و محیط می‌گردد (حلی‌ساز، مظاهری، پناغی و حسنی، ۱۳۹۴).

مرحله دوم کودکی، یعنی دو تا هفت سالگی یا دوره نونهالی؛ در این مرحله، رشد سریع جسمی، کودک را برای تجربه و یادگیری بیشتر آماده می‌کند و به تدریج که بزرگتر می‌شود، به شبکه پیچیده تری از تجربه‌ها دست می‌یابد و از حواس خود هرچه بیشتر بهره می‌برد و به کمک راه رفتن، با محیطی گسترده و متنوع روبه‌رو می‌شود. بر خلاف دوران اول زندگی، در این دوره رفتار کودک کمتر قابل پیش‌بینی است؛ زیرا از این پس تجربه‌های محیطی و تأثیری که بر او می‌گذارد، مسیر رشد کودک را تعیین می‌کند. این دوره از حساس‌ترین سال‌های نخست زندگی کودک به شمار می‌آید؛ به لحاظ اینکه پرسش‌های او از اطرافیان شروع می‌شود و این والدین هستند که با پاسخگویی مناسب می‌توانند ذهن کودک را شکوفا نمایند و به رشد ذهنی او کمک کنند (رایس، ۱۳۹۰).

امروزه هیچ پدر و مادری وجود ندارد که در زمینه رفتار با کودک خود با مشکل مواجه نشده باشد. تربیت فرزندان وظیفه دشواری است که تقریباً به درازای عمر ادامه دارد. چون دنیای کودکی، با دنیای بزرگسالان بسیار متفاوت بوده و بسیاری از افراد جامعه ما از روش‌های آموزشی و تربیتی مدرن در رابطه با آموزش کودکان اطلاعات چندانی ندارند. بیشتر والدین بدون آموزش و آمادگی لازم در مسیر تربیت فرزندان گام می‌نهند و معمولاً از طریق آزمون و خطا، دانش و مهارت‌های فرزندپروری را کسب می‌کنند. ما اعتقاد داریم که هر پدر و مادری حق دارد ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای مطلوب مورد نظرش را در فرزندش تقویت کند و با روشی که صحیح می‌داند با رفتارهای نامطلوب کودکش مقابله کند؛ چرا که ریشه بسیاری از مشکلات رفتاری و اختلالات روانی بزرگسالان، در دوران کودکی آنها یافت می‌شود. همان‌طور که روشن است، افزون بر عوامل ارثی و ژنتیکی، عوامل محیطی نیز در شکل‌گیری شخصیت انسان تأثیر دارد. بنابراین محیطی که کودک در آن رشد می‌کند و نحوه رفتار والدین در نوع رفتار و روان او تأثیر می‌گذارد و ریشه بسیاری از افسردگی‌ها، اضطراب و وسواس در دوران کودکی افراد می‌باشد.

شناخت خصوصیات جسمی و روان‌شناختی فرزندان، یکی از امور بسیار دقیق و حساسی است که راه‌گشای بسیاری از مسائل تربیتی و برطرف‌کننده بیشتر آسیب‌ها و معضلات بزرگ و کوچکی است که در زندگی فرزند به وجود می‌آید؛ همان‌طور که در نظریه هوش هیجانی والدین مطرح است، والدین دارای هوش هیجانی از طریق مدیریت مؤثر و استفاده از هیجان‌ها در انگیزش و شناخت نیازهای فرزند متناسب با سن خودشان و برقراری ارتباط مؤثر با آنان، در تمامی ابعاد زندگی فرزندان نقش دارند (خواجه و شایف، ۲۰۱۵). بنابراین چنانچه پدران، مادران، معلمان و مربیان در گستره حیات و در چرخه رشد با مسائل آن دوران آشنا شوند، بی‌تردید در ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های خود بیش از پیش موفق‌تر و توانمندتر خواهند بود. همچنین سنین ۳ تا ۵ سال به علت افزایش توانمندی‌های کودک و نیز آغاز فرایند یادگیری معیارهای اجتماعی در زمینه

مطلوب و نامطلوب، یکی از مهم‌ترین دوران‌های رشد در کودکان است. توجه داشته باشیم که ارزش‌های فرزندپروری والدین تحت تأثیر سن فرزند قرار می‌گیرد؛ بنابراین برای ایجاد رابطه با کودکان و نحوه رفتار با آنها، باید آنها را شناخت و از نظر آنها به پدیده‌ها نگریست. ما باید وضعیت روانی و عاطفی کودک و نیازهایش را در نظر بگیریم. از توانایی‌ها و محدودیت‌هایش آگاه شویم و برای فهم احساس همه آنها، می‌باید مانند کودک و از پنجره ذهن و احساس آنها به دنیا بنگریم. راه میانبر فهم کودک و وارد شدن به دنیای پر رمز و راز آنها، آشنایی با کودک، نیازها، علایق و استعدادهای اوست. در این زمینه پژوهش‌های مشابهی انجام شده است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

سعید و فراهانی (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تربیت و رشد کودکان و نوجوانان پرداختند. به همین منظور نمونه‌ای از والدین و کودکان شهر کرمان انتخاب شده و با پرسشنامه محقق‌ساخته مورد آزمون واقع شدند. نتایج نشان داد که بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و رشد شناختی کودکان رابطه معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و رشد عاطفی کودکان رابطه معناداری وجود ندارد. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و رشد اجتماعی کودکان رابطه معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و رشد روانی کودکان رابطه معناداری وجود ندارد. کشاورز محمدیان (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی میزان همخوانی تولیدات برنامه‌های کودک سیما با مراحل تربیت و رشد کودکان پرداخت. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا با شکل استنباطی آن با دو تکنیک مقوله‌ای - ارزیابی استفاده شده و برنامه کودک (فتیله) پخش شده از شبکه دوم سیما در سال‌های ۸۶-۹۰ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. صحنه‌های هر برنامه به عنوان واحد تحلیل انتخاب و صحنه‌های برنامه‌ها کدگذاری و تحلیل شده است. پس از انجام پژوهش، مشخص شد بین برنامه‌های کودک (فتیله) با رشد و تربیت آنان تطابق وجود دارد و بیشتر برنامه‌ها پاسخگوی نیازهای کودک بوده و کودکان را راهنمایی و هدایت می‌کنند. موسیقی و رنگ صحنه از موارد متناسب با رشد کودکان است که جذابیت برنامه‌های کودک را دوچندان می‌کند و در بیشتر برنامه‌ها به آن توجه شده است. اشاره کافی به صفات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی از موارد دیگری است که به آن توجه بیشتری شده است. باقرنژاد حصاری، شریفی راد، گلشیری و حسن‌زاده (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی آگاهی و عملکرد مادران کودکان زیر ۳ سال در مورد پایش رشد و مراحل تکامل تغذیه‌ای کودک پرداختند. میانگین نمره آگاهی مادران نسبت به مراحل تکامل تغذیه‌ای کودکان (هموستازیس، دلبستگی و جدایی) ۳۲ درصد و میانگین نمره عملکرد مادران ۴۴ درصد بود. ۹۴ درصد مادران مورد مطالعه کارت پایش رشد را می‌شناختند و در رابطه با شناخت انواع منحنی رشد فقط ۱۴ درصد مادران هر ۴ نوع منحنی رشد را می‌شناختند و ۱۲ درصد مادران هیچ کدام از منحنی‌ها را نمی‌شناختند. ۷۰ درصد مادران

محورهای کارت پایش رشد را نمی‌شناختند و همچنین ۴۴ درصد مادران اطلاعی از نحوه رسم منحنی رشد نداشتند.

گرف و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی پیرامون ویژگی‌های مطلوب فرزندان از نگاه مادران اهل مغولستان نشان دادند هم‌نوایی با مراتب قدرت اجتماعی و تلاش در راستای دستیابی به دانش و رشد شخصی از اهمیت زیادی برخوردار است. ایزاک و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان ویژگی‌های مطلوب فرزندان از نظر والدین هندی بر پیوند خانوادگی، به‌هم وابستگی، وفاداری نسبت به خانواده، اطاعت، باورهای مذهبی و پیشرفت تحصیلی و شغلی به‌عنوان ویژگی‌های مطلوب تأکید دارند. همچنین تودج و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی به بررسی ارزش‌های فرزندپروری در سه مقطع سنی ۳، ۳۶ و ۷۲ ماهگی در برزیل پرداختند و نشان دادند که ارزش‌های فرزندپروری والدین در طی رشد کودک تا حدودی تغییر می‌کند. برای نمونه والدین بر خودمختاری فرزند در سن ۳ و ۷۲ ماهگی بیشتر از سن ۳۶ ماهگی تأکید دارند. همچنین بر طبق نتایج این پژوهش، تأکید والدین بر هم‌نوایی فرزندشان در سن ۳۶ ماهگی بیشتر از سن ۳ و ۷۲ ماهگی است.

به استناد بررسی‌های انجام‌شده، شناخت‌های فرزندپروری والدین شامل ارزش‌هایی که والدین در صدد پرورش آن در فرزندشان هستند، مبتنی بر فرهنگ بوده (تالویست و آتونن، ۲۰۰۷)، احتمالاً با رفتارهای والدین نسبت به فرزندشان و به‌نوبه خود با رشد کودک در ارتباط بوده (بورنستین و چیه، ۲۰۰۶) و شیوه‌های فرزندپروری ایشان را نیز می‌سازد. در نتیجه، می‌توان ادعان نمود که شناخت‌ها و در نتیجه رفتارهای فرزندپروری والدین تا حدی زیادی بر نوع تربیتشان تأثیر دارد و بی‌خبری والدین از توانمندی‌های کودک باعث مشکلات رفتاری در کودکان و رابطه والد-کودک می‌شود. بسیاری از والدین توانایی فرزندان خود را به درستی نمی‌شناسند و یا آنها را کم برآورد می‌سازند و یا بیش از اندازه در نظر می‌گیرند و این شناخت نادرست در شکل‌گیری انتظارات نامناسب از آنان نقش دارد و در نتیجه تربیت فرزند دچار اختلال می‌شود. پدر و مادر باید آشنایی نسبی با دوره‌های مختلف زندگی فرزندان خود داشته باشند اعم از کودکی، نوجوانی و جوانی؛ زیرا در صورت عدم شناخت روحیه، خواسته‌ها و گرایش‌های فرزند در دوره‌ها مختلف سنی، ممکن است نتوانند متناسب با این حالت‌ها برخورد و رفتار مناسبی داشته باشند (درودی و رضانی، ۱۳۹۴).

در دنیای امروز که همه چیز به سمت صنعت و فناوری در حال حرکت است، سهم والدین در تکوین شخصیت فرزندان، روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و به جای آن، عوامل دیگری همچون رسانه‌ها نقش عمده‌ای داشته است و به‌صورت شبانه‌روزی در تغییر اندیشه کودکان و حتی بزرگسالان، اثرگذار بوده است. رسانه‌ها، به دلیل ویژگی ممتازی که نسبت به دیگر عوامل اثرگذار

در فرایند تربیت انسان دارند، دارای اهمیت بسزایی هستند. قدرت رسانه‌ها نسبت به دیگر عوامل اثرگذار در فرایند تربیت انسان، آن‌قدر مهم است که حتی برخی بر این باورند که رسانه قادر است نسل جدیدی در تاریخ انسان پدید آورد؛ نسلی که از نظر رفتار و افکار و شیوه تعامل با هم‌نوعان خود، با نسل‌های پیشین تفاوت داشته باشد (درودی و رضانی، ۱۳۹۴). تلویزیون در میان همه رسانه‌ها، جعبه جادویی قرن بیست‌ویکم است که از نظر جذابیت‌های ظاهری و سرگرم کردن تماشاچیان، گوی سبقت را از دیگر رسانه‌ها ربوده است، به گونه‌ای که کمتر بیننده‌ای از میان برنامه‌های تلویزیون، یکی را برمی‌گزیند، بلکه این تلویزیون است که برنامه‌های جذاب خود را بر بینندگان تحمیل می‌کند. شاید بتوان تلویزیون را همدم همیشگی انسان امروز دانست که از دوره نوزادی تا کهن‌سالی همراه اوست. البته تأثیر تلویزیون فقط در حد سرگرمی نمی‌ماند، بلکه برنامه‌های تلویزیونی، بر روش‌های فرزندپروری والدین و نقش تربیتی آنان نیز اثر دارد. بایدها و نبایدها، آزادی‌ها و محدودیت‌ها، وظایف و اختیارات، تأییدها و تنبیه‌ها، گفت‌وگوها و رفتارها و حتی نگاه‌های نشان داده شده در این برنامه‌ها، بر افکار، نگرش‌ها و رفتارهای والدین و کودکانشان اثر می‌گذارد و به کنش‌های متقابل آنان جهت می‌دهد (حبیبی، ۱۳۹۵).

رسانه‌های جمعی به‌عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری، در کنار خانواده، محیط آموزشی و دوستان، نقش مهمی در رشد و تربیت جنبه‌های گوناگون زندگی کودک ایفا می‌کنند. رسانه‌ها از نخستین سال‌های کودکی با انسان همراه می‌شوند. به اعتقاد بیلگ (۱۹۹۵) رسانه‌های گروهی اغلب به شیوه‌ای غیرمستقیم اما فراگیر، اطلاعات و آگاهی‌های بسیاری را به مخاطبان منتقل می‌کنند که زندگی روزمره آنان را زیر نفوذ خود قرار می‌دهد و بدیهی است که کودکان و نوجوانان نیز از این تأثیرپذیری، مستثنا نیستند. همچنین شواهد پژوهشی متعدد وجود دارد که نشان می‌دهد رسانه‌های گروهی به‌ویژه تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و مطبوعات می‌توانند بر دانش و اعتقادات ملی مخاطبان گروه‌های سنی مختلف تأثیر بگذارند (به نقل از حسینی انجدانی و همکاران، ۱۳۸۸).

در عصر فوران اطلاعات، دغدغه بسیاری از والدین، آگاهی یافتن از آموخته‌های فرزندان‌شان و به نوعی نظارت بر نحوه یادگیری آنهاست. در واقع می‌توان دو جنبه رشد در ذهن کودک تشخیص داد، در یک طرف چیزی است که می‌توان آن را جنبه روان‌شناسی اجتماعی رشد نامید و آن عبارت است از آنچه کودک از خارج و به وسیله خانواده، مدرسه و انتقال تربیتی کسب می‌کند و در طرف دیگر رشد دیگری وجود دارد که می‌تواند خود به خودی نامیده شود که آن را، رشد خوددهوش می‌نامند که عبارت است از آنچه کودک به وسیله خودش یاد می‌گیرد. استفاده از رسانه‌های گروهی مثل تلویزیون و کامپیوتر و حتی بازی‌های کامپیوتری، یکی از روش‌های مهم اجتماعی شدن بچه‌ها به شمار می‌رود تا آنجا که در دوران کودکی، یکی از چند منبع جامعه‌پذیر کردن بچه‌ها، همین رسانه‌های گروهی هستند و در دنیای امروز از آنها گریزی نیست (ملوین و اورت، ۱۳۸۳).

یکی از برنامه‌هایی که در چند سال اخیر در تلویزیون به بررسی شناخت والدین از کودک خود پرداخته است، برنامه کودک شو می‌باشد. این برنامه در راستای تعامل خانواده و کودک و شناخت والدین از رفتارها، استعدادها و توانمندی‌های کودک خود با بازی و مسابقه صورت می‌گیرد که خانواده‌ها راهکارهای بهتری برای تربیت فرزندان و تعالی روح و پرورش فکری پیدا می‌کنند. همچنین در این برنامه نه تنها در راستای کودک، بلکه مباحث تربیتی کودک و پدر و مادر و شناخت والدین نسبت به فرزند که با دیگر برنامه‌هایی که در طول روز از تلویزیون پخش می‌شوند و مختص خانواده‌اند فرق دارد. این مسابقه سعی دارد در رابطه با آموزه‌های رفتاری، ارتباطی و آموزشی، نکاتی را به مخاطبان انتقال بدهد. «کودک شو» پیام‌های آموزشی دارد و متناسب با ملاحظات فرهنگی مردم ایران و مخاطبان برنامه طراحی شده است.

از آنجایی که دوران کودکی در تکوین شخصیت و رشد نیروی ادراک هر فرد دارد و بر اساس اغلب نظریه‌های موجود در روان‌شناسی رشد شخصیت هر فردی در دوران کودکی شکل می‌گیرد و بعد از آن هرگونه تغییری در افراد بسیار مشکل خواهد بود. افکار و احساسات کودکان با شناخت و آگاهی والدین ارتباط دارد (کشاوری محمدیان، ۱۳۹۱)؛ پس این ضرورت وجود دارد که والدین به‌عنوان آموزنده باید توانایی این را داشته باشند تا شناختی زمینه‌ای درباره‌ی علائق، اخلاق و ویژگی‌های روانی و احساسی فرزند خود که کاراثر او را نمایان می‌کند، داشته باشند؛ لذا با توجه به مطالب ذکر شده و همچنین اینکه تاکنون هیچ پژوهشی در این خصوص و به این روش به بررسی میزان دقت والدین از قابلیت‌های کودکان نپرداخته است، ضرورت و اهمیت انجام پژوهش حاضر مشهود است. همچنین با بررسی مطالعات انجام شده می‌توان بیان کرد که تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی یک برنامه تلویزیونی درخصوص شناخت والد و کودک نپرداخته است. با توجه به اینکه آگاهی و شناخت والدین در تربیت کودکان تأثیر و نقش مهمی دارد و والدین اگر بخواهند کودک سالم و شاد داشته باشند که در آینده نیز موفق باشند، باید با کودک خود متناسب با ویژگی‌های همان سن برخورد کنند و لازمه این امر شناخت و آگاهی والدین از قابلیت‌های فیزیکی و روان‌شناختی است که خلأ پژوهشی در این زمینه بسیار زیاد است. همچنین از آنجایی که برنامه‌های تلویزیونی جنبه تعلیم و تربیت و انتقال ارزش‌ها را دارد، در درازمدت می‌تواند بر افکار و رفتار والدین تأثیر داشته باشد، بنابراین ضرورت دارد که برنامه‌های تلویزیون نگاه خود را متوجه خانواده و میزان دقت و شناخت آنها سازند و الگویی به والدین ارائه دهند که باعث رشد جسمی و روان‌شناختی کودکان خود که آینده سازان یک کشور هستند، شود. بنابراین یافته‌های این پژوهش می‌تواند به والدین، روان‌شناسان و مربیان کودک برای شناخت بهتر کودکان در زمینه برقراری ارتباط با کودک و درک بهتر او را کمک کند و نقش مهمی در ساخت و تهیه برنامه‌هایی در زمینه والد-کودک داشته باشد. با توجه به رویکرد کل نگر آنجل (۱۹۹۷)، در علوم رفتاری که

انسان را موجودی با ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و اخلاقی معرفی می‌کند که می‌توان انتظار داشت که اگر والدین قرار باشد شناخت نسبتاً دقیقی از فرزند خود داشته باشند، می‌بایست این شناخت در ابعاد چهارگانه‌ای که به آنها اشاره کردیم حاصل شود. در این پژوهش به ۳ بُعد جسمی، روانی و اجتماعی شناخت والدین از فرزندان مورد توجه قرار گرفته است. منظور از ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان در پژوهش حاضر، پاسخ‌های کودکان به سؤالات مطرح‌شده در ۵ مفهوم علائق، روابط بین فردی، مؤلفه عاطفی، رفتاری و شناختی آنان می‌باشد.

رسانه‌ها مخصوصاً تلویزیون از نهادهایی است که کارکرد آموزشی و تربیتی خانواده‌ها، تا حدی بدان منتقل شده است. اگر دیروز پدر و مادر و محیط خانواده اصلی‌ترین نقش را در تربیت و ساختن نسل آینده ایفا می‌کرد، امروز این وظیفه را خانواده و آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی به اشتراک انجام می‌دهند و رسانه می‌تواند در انتقال مفاهیم و آموزش نقش بسزایی را ایفا کند (حبیبی، ۱۳۹۵). از آنجایی که برنامه‌های تلویزیونی جنبه تعلیم و تربیت و انتقال ارزش‌ها را دارد، در درازمدت می‌تواند بر افکار و رفتار والدین تأثیر داشته باشد، بنابراین ضرورت دارد که برنامه‌های تلویزیون نگاه خود را متوجه خانواده و میزان دقت و شناخت آنها سازند و الگویی به والدین ارائه دهند که باعث رشد جسمی و روان‌شناختی کودکان خود شود؛ کودکانی که آینده‌سازان یک کشورند. بنابراین یافته‌های این پژوهش می‌تواند به والدین، روان‌شناسان و مربیان کودک برای شناخت بهتر کودکان در زمینه برقراری ارتباط با کودک و درک بهتر او کمک کند و نقش مهمی در ساخت و تهیه برنامه‌هایی در زمینه والد-کودک داشته باشد، لذا این پژوهش در راستای این سؤالات پژوهشی انجام شد:

- میزان شناخت والدین از قابلیت‌های فیزیکی فرزندان ۳ تا ۶ سال بر اساس برنامه کودک شو تا چه اندازه است؟
- میزان شناخت والدین از ویژگی‌های روان‌شناختی فرزندان ۳ تا ۶ سال بر اساس برنامه کودک شو تا چه اندازه است؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع روش در گام اول کیفی و پدیدارشناسی و در گام دوم توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوا) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی قسمت‌های سری سوم برنامه کودک شو (تمامی خانواده‌های شرکت‌کننده در سری سوم برنامه کودک شو) بود که از دی ماه سال ۱۳۹۶ تا شهریور ماه سال ۱۳۹۷ از شبکه نسیم پخش شده است. نمونه پژوهش حاضر شامل ۸۱ برنامه پخش‌شده کودک شو (۸۱ خانواده) بود که دربرگیرنده ۵۱ کودک دختر و ۳۰ کودک پسر ۳ تا ۶ سال بود. ابزار پژوهش، همان سؤالات پرسیده‌شده از والدین درباره فرزندان‌شان می‌باشد. شروع برنامه‌های سری سوم کودک شو از

تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ تا ۱۳۹۷/۶/۱۸ بود که از قسمت ۳۴ تا ۵۳ ویژه برنامه‌های نوروزی بود که به دلیل نداشتن شرایط از نمونه حذف شدند. همچنین از قسمت ۱۲۶ تا ۱۵۴ ویژه برنامه فینال مسابقات بود که آنها نیز حذف شدند. این برنامه از شنبه تا سه‌شنبه هر شب یک برنامه داشت و در آخر هفته (جمعه) قسمت فینال از همان شرکت‌کنندگان هفته برگزار می‌شد که به خاطر نداشتن شرایط از نمونه حذف شد و جمعاً ۸۱ برنامه در نظر گرفته شد. واحد تحقیق در پژوهش حاضر بر اساس تمامی والدینی که در برنامه کودک شو شرکت کرده‌اند. ابتدا سؤالاتی از قبیل تحصیلات، نحوه آشنایی، سن کودکان از والدین پرسیده می‌شد. سپس قسمت‌های دیگر برنامه اجرا می‌شد، مانند اتاق بازی کودک (کودک با یکی از والدین وارد اتاق بازی می‌شد و از والد دیگر درباره فعالیت کودک سؤال می‌کردند)، قسمت دوبله که پدر و مادر قسمتی از یک برنامه کارتونی را صداگذاری می‌کردند و قسمت سؤالات که از والدین درباره کودکانشان سؤالاتی به عمل می‌آمد و همان سؤالات نیز از کودک پرسیده می‌شد و در مجموع این سؤالات مطرح شده از والدین برحسب جواب درست و غلط مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند و در نهایت تماشاگران نیز به آنها امتیاز می‌دادند که در پژوهش حاضر قسمت اتاق بازی و قسمت سؤالات مد نظر بود. شیوه اجرای پژوهش: در ابتدا تمام ۸۱ قسمت سری سوم برنامه کودک شو (به جز برنامه‌های فینال و نوروزی) مشاهده و سپس سؤالاتی که از والدین و کودک در این برنامه‌ها پرسیده شده بود، یادداشت شد. آنگاه با مطالعه و بررسی سؤالات پرسیده شده از والدین در برنامه‌های کودک شو، بر اساس تعاریف و مطالعات انجام شده، سؤالات توسط محقق در ۷ مقوله عاطفی، شناختی، رفتاری، روابط بین فردی، علایق، آینده‌نگری و عواطف طبقه‌بندی شد که سپس با بررسی مجدد مفاهیم و با نظر اساتید متخصص، به ۵ دسته کلی‌تر دسته‌بندی شدند و دو مؤلفه آینده‌نگری و عواطف در مؤلفه‌های دیگر ادغام شد. سپس تعداد سؤالات درست و نادرست مربوط به هر مؤلفه مشخص شد و کدگذاری گردید. جهت کسب روایی و پایایی یافته‌های به دست آمده از روش سه سوسازی استفاده شد. روش سه سوسازی تنوع روش شناختی دارد که انواع گوناگونی از روش‌های سه سوسازی در راستای افزایش اعتبار یک پژوهش وجود دارد که شامل سه-سوسازی داده‌ها، سه سوسازی محقق، سه سوسازی نظری و سه سوسازی روش شناختی است. لیکن با توجه به نوع پژوهش حاضر از روش سه سوسازی داده‌ها (داشتن سؤالات برنامه کودک شو، سؤالات نوشته شده، برنامه کودک شو) و سه سوسازی محقق (پژوهشگر، استاد راهنما و مشاوران) استفاده گردید. یافته‌های به دست آمده وارد نرم افزار SPSS شد و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مناسب توصیف و تحلیل گردید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. به این صورت که به خاطر اینکه سؤالات مطرح شده در برنامه کودک شو از والدین درباره شناخت

فرزندانشان وجود داشت، بعد از بررسی قسمت‌های سری سوم پخش شده در برنامه کودک شو و ثبت و ضبط آنها، اطلاعات مکتوب مصاحبه‌ها (سؤالات) به صورت کدگذاری دستی (تماتیک) برای تحلیل محتوای درونی مصاحبه‌ها تحلیل شد و با استفاده از درصد و فراوانی و آزمون‌های دو و نسبت داده‌های به دست آمده محاسبه و تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به ارائه یافته‌های پژوهش بر اساس سؤالات مطرح شده در برنامه کودک شو پرداخته شده است. با توجه به روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، مراحل زیر در راستای تجزیه و تحلیل صورت پذیرفته است. ابتدا تمام برنامه‌های سری سوم کودک شو مشاهده و سؤالاتی که در این برنامه‌ها از والدین و کودکان پرسیده شد به صورت مکتوب نوشته شد. سپس با بررسی سؤالات به دسته‌بندی آنها پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که سؤالات مطرح شده ۷۷ سؤال (با حذف سؤالات تکراری) مربوط به قسمت قابلیت‌های فیزیکی در اتاق بازی برنامه کودک شو و ۵۶۱ سؤال مربوط به قسمت ویژگی‌های روان‌شناختی (سؤال از والدین) می‌باشد که سؤالات این قسمت در ۷ مفهوم کلی دسته‌بندی شد که با مشورت و تأیید استاد راهنما دو مفهوم عواطف و آینده‌نگری به دلیل تعداد سؤالات محدود در دو مفهوم دیگر ترکیب شدند. سؤالات مربوط به عواطف در نگرش عاطفی و سؤالات مربوط به آینده‌نگر در مفهوم علاقه ادغام شد و در نهایت به ۵ مفهوم رفتاری، عاطفی، شناختی، روابط بین فردی و علاقه کاهش یافت. در ادامه به تحلیل محتوای اطلاعات به دست آمده بر اساس کدگذاری سؤالات مربوط به هر مؤلفه که از روش کلایزی به دست آمده است پرداخته و در جدول‌های ۱ تا ۶ نتایج فراوانی و درصد فراوانی هر مؤلفه ارائه شده است. پیش از اینکه یافته‌های این جداول آورده شوند، سؤالاتی که مربوط به ۲ مفهوم اصلی، قابلیت فیزیکی و قابلیت روان‌شناختی است که قابلیت روان‌شناختی نیز شامل علاقه‌ها، نگرش (عاطفی، شناختی و رفتاری) و روابط بین فردی می‌شود که بالای جدول مختص به هر کدام بیان می‌شود.

سؤال اول پژوهش: میزان شناخت والدین از قابلیت‌های فیزیکی فرزندان ۳ تا ۶ سال تا چه اندازه است؟

برای ارزیابی این مؤلفه سؤالاتی شبیه موارد زیر در برنامه کودک شو از والدین پرسیده شد:

- کودک در ۱۲۰ ثانیه چند برج رنگی را با بالشت هدف قرار می‌دهد؟
- کودک در ۱۲۰ ثانیه چند توپ را در گلف می‌اندازد؟

جدول شماره ۱. نتایج فراوانی پاسخ والدین به سؤالات مؤلفه قابلیت فیزیکی

فراوانی درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۱۴/۴۸	۱۴/۴۸	۳۹	جواب درست
۱۰۰	۵۱/۸۶	۴۲	جواب غلط
	۱۰۰	۸۱	کل

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بیشتر والدین در پاسخ به سؤال قابلیت فیزیکی فرزندشان جواب غلط با ۵۱٫۸۵ درصد داده‌اند.

سؤال دوم پژوهش: میزان شناخت والدین از ویژگی‌های روان‌شناختی فرزندان ۳ تا ۶ سال تا چه اندازه است؟

- مؤلفه علائق

این مؤلفه ۱۰۰ سؤال دارد که به‌طور نمونه سؤالاتی که برای دسته‌بندی این مؤلفه در نظر گرفته شده، ارائه شده است:

- نقاشی با چه وسیله‌ای را دوست دارد یا دوست دارد چه چیزی را نقاشی کند؟
- دوست دارد در انجام چه کاری به پدر یا مادر کمک کند؟

جدول شماره ۲. نتایج فراوانی پاسخ والدین به سؤالات مؤلفه علائق

فراوانی درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۳۷	۳۷	۳۷	جواب درست
۱۰۰	۶۳	۶۳	جواب غلط
	۱۰۰	۱۰۰	کل

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که نسبت پاسخ غلط به درست والدین در خصوص سؤالات مؤلفه علائق بیشتر است.

- مؤلفه روابط بین فردی

این مؤلفه ۹۸ سؤال دارد که به‌طور نمونه سؤالات زیر دربرگیرنده مؤلفه روابط بین فردی است:

- دوست دارد چه کسی به خانه شما بیاید یا دوست دارد بیشتر به خانه چه کسی برود؟
- مسافرت رفتن با چه کسی را دوست دارد یا بازی کردن و کمک کردن به چه کسی را دوست دارد؟

جدول شماره ۳. نتایج فراوانی پاسخ والدین به سؤالات مؤلفه روابط بین فردی

فراوانی درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۵۰	۵۰	۴۹	جواب درست
۱۰۰	۵۰	۴۹	جواب غلط
	۱۰۰	۹۸	کل

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در پاسخ به سؤالات مؤلفه روابط بین فردی والدین به‌طور مساوی جواب درست یا غلط داده‌اند.

- مؤلفه عاطفی

این مؤلفه دارای ۱۳۱ سؤال است. برای تشخیص سؤالات مؤلفه عاطفی و علایق این مسئله مد نظر قرار داده شد که اگر موضوع سؤالات شیء و فرد باشد، مؤلفه عاطفی و اگر موضوع انجام کار و فعالیتی باشد، علاقه است که به‌طور نمونه سؤالات زیر دربرگیرنده مؤلفه عاطفی می‌باشد:

- کدام خوراکی، شعر، فصل، کارتون، شخصیت کارتونی، قسمت کودک شو، رنگ، وسیله بازی، غذا، میوه و قصه را دوست دارد یا دوست ندارد؟
- کدام وعده غذایی را بیشتر دوست دارد یا چی دوست دارد در وعده‌های غذایی بخورد؟

جدول شماره ۴. نتایج فراوانی پاسخ والدین به سؤالات مؤلفه عاطفی

فراوانی درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۴۴/۲۷	۴۴/۲۸	۵۸	جواب درست
۱۰۰	۵۵/۷۲	۷۳	جواب غلط
	۱۰۰	۱۳۱	کل

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در جدول شماره ۴ می‌توان بیان کرد که بیشتر والدین در پاسخ به سؤالات مربوط به مؤلفه عاطفی نگرش جواب غلط داده‌اند.

- مؤلفه شناختی

این مؤلفه شامل ۹۸ سؤال می‌باشد و سؤالات زیر به‌طور نمونه برای ارزیابی شناخت والدین از مؤلفه شناختی در نظر گرفته شده است:

- بزرگترین آرزوی شما چیست؟
- مادر یا پدر یا خودش شبیه کیست؟

جدول شماره ۵. نتایج فراوانی پاسخ والدین به سؤالات مؤلفه شناختی

فراوانی درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۳۸/۷۷	۳۸/۷۷	۳۸	جواب درست
۱۰۰	۶۱/۲۳	۶۰	جواب غلط
	۱۰۰	۹۸	کل

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول شماره ۵ می‌توان بیان کرد که نسبت جواب غلط به درست والدین به سؤالات مؤلفه شناختی، بیشتر است.

- مؤلفه رفتاری

برای ارزیابی مؤلفه رفتاری، سؤالات زیر به طور نمونه در نظر گرفته شده است که شامل ۱۳۱ سؤال در مجموع می‌باشد.

- مادر یا پدر چه کاری را خوب یا بد انجام می‌دهند؟
- چه کسی خانه را بیشتر به هم می‌ریزد؟

جدول شماره ۶. نتایج فراوانی پاسخ والدین به سؤالات مؤلفه رفتاری

فراوانی درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۴۲/۷۴	۴۲/۷۴	۵۶	جواب درست
۱۰۰	۵۷/۲۶	۷۵	جواب غلط
	۱۰۰	۱۳۱	کل

نتایج به دست آمده در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بیشتر والدین به سؤالات مربوط به مؤلفه رفتاری پاسخ غلط داده‌اند.

در مجموع، ۵۶۱ سؤال در ویژگی‌های روان‌شناختی و ۸۱ سؤال مربوط به قابلیت‌های فیزیکی در این برنامه مطرح شد که با حذف ۴ سؤال که در خود برنامه هم حذف شده بود در مجموع ۶۳۸ سؤال در این برنامه از والدین پرسیده شد. والدین به ۲۷۶ سؤال پاسخ درست و به ۳۶۲ سؤال پاسخ غلط داده‌اند. برای مقایسه فراوانی جواب درست و جواب غلط والدین به سؤالات از آزمون خی دو یا نیکویی برآزش داده‌ها استفاده شد:

جدول شماره ۷. نتایج آزمون خی دو برای کل سؤالات

سطح معناداری	df	میزان خی دو	جواب غلط	جواب درست	آزمون خی دو
۰.۰۰۱	۱	۱۱/۵۹	۳۶۲	۲۷۶	

نتایج جدول شماره ۷ شماره ۷ نشان می‌دهد خی دو مشاهده شده در سطح آلفا ۰.۰۰۱ معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به این معنا که در پاسخ درست و غلط والدین به قابلیت‌های

کودک تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. در جدول زیر نتایج آزمون‌های دو برای مؤلفه‌های به‌دست‌آمده، آورده شده است:

جدول شماره ۸. نتایج آزمون‌های دو برای مؤلفه‌ها

مؤلفه	جواب درست	جواب غلط	میزان‌های دو	df	سطح معناداری
قابلیت فیزیکی	۳۹	۴۲	۴/۱۱	۱	۰/۰۴۸
علائق	۳۷	۶۳	۶/۷۶	۱	۰/۰۰۹
روابط بین فردی	۴۹	۴۹	-	-	-
مؤلفه عاطفی	۵۸	۷۳	۳/۹۶	۱	۰/۰۱۶
مؤلفه شناختی	۳۸	۶۰	۴/۹۳	۱	۰/۰۲۶
مؤلفه رفتاری	۵۶	۷۵	۴/۶۳	۱	۰/۰۴۷

نتایج آزمون‌های دو در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد در همه مؤلفه‌ها به‌جز مؤلفه روابط بین فردی بین پاسخ درست و غلط والدین تفاوت معناداری در سطح $p \leq 0.05$ وجود دارد. در روابط بین فردی به خاطر اینکه هر دو مقدار پاسخ غلط و درست یکسان است، آزمون‌های دو مقداری را نشان نمی‌دهد. در واقع پاسخ‌های نادرست والدین به‌طور معناداری بیشتر از پاسخ‌های درست آنان است.

بحث و نتیجه‌گیری

تلویزیون به‌عنوان رسانه‌ای گروهی، جایگاه خاصی در زندگی انسان امروزی دارد. تلویزیون پیام‌ها و اطلاعات وسیعی را به‌وسیله برنامه‌های مختلف به مخاطبان خود منتقل می‌کند. کلیه گروه‌های سنی از جمله کودکان، و والدین ساعاتی از اوقات شبانه روز را صرف مشاهده فرآورده‌های متنوع تلویزیونی می‌کنند. این وسیله ارتباط جمعی قابلیت‌های فراوانی برای جذب مخاطبان کودک دارد و نقش مؤثری در تعلیم و تربیت، بالاخص تربیت کودکان ایفا می‌کند؛ بنابراین هدف اصلی این تحقیق، تعیین میزان شناخت والدین از قابلیت‌های روان‌شناختی و فیزیکی فرزندان ۳ تا ۶ سال بر اساس برنامه کودک شو می‌باشد که با استفاده از روش تحلیل محتوا ۸۱ برنامه از سری سوم کودک شو مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌ها نشان داد که سؤالات مطرح‌شده در این مسابقه را می‌توان در ۲ دسته اصلی (قابلیت‌های فیزیکی و ویژگی‌های روان-شناختی) قرار داد و سپس ویژگی‌های روان‌شناختی را نیز به ۵ دسته (مؤلفه عاطفی، مؤلفه شناختی، مؤلفه رفتاری، رفتار بین فردی و علائق) تقسیم کرد که در مجموع یافته‌ها نشان داد که والدین شناخت کمی از قابلیت‌های کودکان خود به‌جز در روابط بین فردی دارند.

نتایج به‌دست‌آمده از جدول‌ها در رابطه با سؤال اول پژوهشی که پرسیده «میزان شناخت والدین از قابلیت‌های فیزیکی فرزندان ۳ تا ۶ سال تا چه اندازه است؟» نشان داد که میزان شناخت

والدین از قابلیت کودکان خود پایین است و نسبت پاسخ درست به غلط والدین در خصوص سؤالات قابلیت فیزیکی ۴۸ درصد در برابر ۵۲ درصد می‌باشد. در تأیید همسویی و ناهم‌سویی یافته‌های به‌دست‌آمده پژوهش مرتبطی مشاهده نشد و نتایج به‌دست‌آمده با یافته پژوهش مشابه در این زمینه باقرنژاد حصاری و همکاران (۱۳۹۰)، مبنی بر پایین بودن آگاهی و عملکرد مادران کودکان زیر ۳ سال از پیش‌رشد و مراحل تکامل تغذیه‌ای کودک، همسو و هماهنگ است.

در تبیین یافته به‌دست‌آمده می‌توان بیان کرد که خانواده‌ها در مورد رشد و تکامل کودک خود نگرش‌های متفاوتی دارند. والدین بدرفتار با تحت فشار گذاشتن کودک خود از او انتظار دارند فراتر و مافوق شرایط تکاملی خود رفتار کند. این انتظارات والدین بدرفتار برخاسته از نداشتن شناخت و درک نکردن توانایی‌ها و مهارت‌های کودک در مراحل مختلف رشد است. چنین والدینی پرورش کودک را یک وظیفه ساده تصور می‌کنند و بیشتر آنها نسبت به توانایی‌ها و نیازهای کودکان آگاه نیستند. برخی از والدین بدرفتار، رفتارهای متناسب با سن کودک را رفتارهایی غیرقابل قبول تعبیر می‌کنند و معتقدند این رفتار ناشی از بدخویی کودک است و به نگرشی بی‌عاطفه و مبتنی بر تنبیه برای ایفای نقش والدی روی می‌آورند. بعضی از والدین تمام نیازهای فرزند خود را در مسائل مالی خلاصه می‌کنند. اما والدین موفق به خوبی می‌دانند که مسائل مالی و امکانات، جایگزین وقت و زمانی که باید برای فرزند خود هزینه کنند نمی‌شود. والدین موفق به خوبی می‌دانند که هر دوره از عمر فرزندشان با نیازهای ویژه آن دوره همراه است. آنها با شناخت و درک نیازهای فرزندان خود در هر دوره از زندگی تلاش می‌کنند مانع بروز مشکلات مختلف برای فرزند خود شوند؛ چرا که به خوبی می‌دانند بی‌توجهی به نیازهای فرزندان می‌تواند آینده آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در حالی که در پژوهش حاضر، والدین در خصوص توانایی کودکان خود در اتاق بازی که چه کاری را می‌توانند انجام دهند یا ندهند، شناخت کمی داشتند و این نشان می‌دهد که والدین درباره ویژگی‌های کودکان خود اطلاعات محدودی دارند و وقت کمی را صرف شناخت، مطالعه و کسب تجربه از دیگران درباره ویژگی‌های سن رشدی کودک خود می‌کنند. همچنین مطالعات انجام‌شده نشان داده است که نسبت والدینی که توانایی کودک خود را بالاتر از جواب کودک می‌دانند، بیشتر از کسانی است که توانایی کودک خود را پایین‌تر برآورد می‌کردند. این یافته نشان می‌دهد که والدین از کودک خود انتظاری بالاتر از توانایی‌های او دارند.

همچنین در تبیین یافته به‌دست‌آمده می‌توان بیان کرد که انتظارات والدین از فرزندان، بی‌شک از همین محبت به فرزند، ناشی می‌شود؛ پدران و مادران موفقیت فرزند خود را آرزومند هستند و چون بخش عمده‌ای از این موفقیت را بسته به تلاش خود فرزند می‌دانند، به همین خاطر از فرزند خود انتظار دارند که برای موفقیت خود تلاش کند و در این امر کوتاهی نداشته باشد.

همچنین چون بیشتر فرزندان شرکت‌کننده در این مسابقه تک فرزند بودند، انتظار والدین از آنها بیشتر است. بیشتر والدین به دلیل اینکه دوست دارند فرزندشان بسیار باهوش باشد و در زمینه‌های خاصی که آنها می‌خواهند مستعد نشان داده شوند، بسیاری از استعداد‌های واقعی کودک را نادیده گرفته و تنها به خواسته‌های خود توجه می‌کنند و گاهی از کودک خود انتظارات واهی و نادرست دارند. درست است که انتظار بالای والدین از فرزندان موجب پیشرفت آنان خواهد شد، ولی چنانچه این انتظار بالا فراتر از توان بالقوه کودک باشد، می‌تواند استرس قابل توجهی را به کودک وارد نماید.

در پاسخ به این سؤال دوم پژوهش، مبنی بر «میزان شناخت والدین از ویژگی‌های روان‌شناختی فرزندان ۳ تا ۶ سال تا چه اندازه است؟» نتایج نشان داد که جواب درست والدین به سؤالات مؤلفه‌های ۳۷ و جواب غلط ۶۳ درصد بوده است. در مؤلفه‌های روابط بین فردی جواب درست و غلط والدین مساوی بود. همچنین در مؤلفه‌های عاطفی ۴۳ درصد والدین جواب درست و ۵۶ درصد پاسخ غلط داده‌اند. در مؤلفه‌های شناختی میزان پاسخ درست والدین به سؤالات ۳۹ درصد و پاسخ غلط ۶۱ درصد بوده است و در مؤلفه‌های رفتاری جواب درست والدین به سؤالات ۴۳ درصد و جواب غلط ۵۷ درصد بوده است. نتایج آزمون خبی دو نیز نشان داد که تفاوت معناداری بین جواب درست و جواب غلط والدین به سؤالات مؤلفه‌ها به‌جز مؤلفه‌های روابط بین فردی وجود دارد و شناخت والدین نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کودکانشان پایین است. گرچه پژوهشی که دقیقاً بر یافته‌های یادشده منطبق باشد و در آن شناخت والدین از قابلیت‌های فرزندانشان بررسی شده باشد؛ یافت نشد، اما نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات مشابه سعید و فراهانی (۱۳۹۱)، گرف و همکاران (۲۰۱۴)، ایزاک و همکاران (۲۰۱۴)، در یک راستا و همسوست. در این تحقیق مشخص شد که صحت پاسخ‌های والدین در خصوص روابط بین فردی فرزندان خویش، ناشی از قابل مشاهده بودن رفتار کودکان در روابط بین فردی آنان باشد. لذا می‌توان گفت هر چقدر ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان قابل مشاهده‌تر و آشکارتر باشد، بدیهی است که شناخت والدین دقیق‌تر می‌شود و هر چقدر این ویژگی‌ها جنبه‌های ذهنی داشته باشند، شناخت والدین صحت کمتری پیدا می‌کند. همچنین از آنجا که پذیرش نقاط ضعف فرزندان برای والدین کمتر قابل قبول است، لذا می‌توان بیان داشت که آنها در ارزیابی قابلیت‌های جسمانی و ویژگی‌های روان‌شناختی فرزندان خویش دچار خطای ارزیابی می‌شوند و قابلیت‌های فرزندان را بیشتر برآورد می‌کنند و نقاط ضعف فرزندان خویش را کمتر می‌بینند و همین عامل باعث می‌شود تا در ارزیابی‌های خویش کمتر واقع‌بینانه عمل نمایند و این ویژگی‌ها در این پژوهش نشان داده شده است.

یکی از دغدغه‌های اصلی والدین کشف استعدادها و توانمندی‌های فرزندان شان از دوران کودکی است. این دغدغه زمانی می‌تواند به‌عنوان یک عامل مثبت در زندگی فرزندان نقش ایفا کند که

به احساس مسئولیت تبدیل شود. یعنی پدر و مادر خود را مسئول کشف استعداد های کودکان خود بدانند و در این مسیر با نگاهی چند بُعدی به توانمندی، علاقه و موقعیت کودکشان، بتوانند تأثیر مهمی در تعیین مسیر زندگی آنان بگذارند. با این همه، والدین به دلیل نداشتن زمان کافی برای شناخت فرزندان خود و یا اینکه تک نگر و خودخواه هستند، علایق کودک خود را نادیده می‌گیرند و فقط به خواسته‌ها و آرزوهای خودشان فکر می‌کنند. والدین در گذشته به دلیل ناآگاهی، نبودن رسانه‌های جمعی و مطالب مفید و علمی در زمینه شناخت کودک، وقت زیادی را به کودک اختصاص نمی‌دادند و کودک در نسل‌های گذشته جایگاه باارزشی نداشته است، در حالی که امروزه تمام امکانات برای والدین فراهم می‌باشد، اما باز هم والدین شناخت کافی از علایق و نگرش‌های کودک خود ندارند. والدین امروزی به خاطر شاغل بودن هر دو طرف و نداشتن زمان کافی و سپردن کودکان به مؤسسه‌های تربیتی و آموزشی از تربیت فرزند خود فاصله گرفته‌اند و درگیر شناخت کودک خود نیستند. همچنین والدین امروزی بیشتر وقت خود را درگیر رسانه‌ها و فضای مجازی می‌کنند و تربیت و آموزش کودک را به مربیان سپرده‌اند. والدین در طول روز وقت خود را صرف امور خانه یا مشغله‌های کاری و فکری خود می‌کنند و وقت کمی را برای صحبت با فرزند خود می‌گذارند و اگر هم بازی بکنند و همبازی او شوند فقط درگیر بازی هستند و از شناخت ویژگی‌ها و توانمندی‌های کودک خود غافل هستند. ضمناً با اینکه امروزه کتاب، جلسات آموزشی و مطالب زیادی در خصوص شناخت و آگاهی از جنبه‌های رشد جسمانی و روان‌شناختی کودک وجود دارد و والدین در دنیایی از اطلاعات هستند و هر روز از این اطلاعات شاید استفاده هم بکنند، اما به خاطر وقت کمی که برای صحبت و همدل و همراه شدن با کودک می‌گذارند و دغدغه‌های زیادی دارند و بیشتر به فکر آینده کودک هستند و اینکه چند مهارت را همزمان یاد بگیرد، با این حال از شناخت و قابلیت‌های کودک خود غافل هستند. از سویی دیگر در ایران نیز با آغاز فرایند نوسازی و گسترش روند شهرنشینی، همگانی شدن نظام آموزشی، رشد مراکز نگهداری از کودک، خانواده ایرانی نیز دستخوش تغییراتی شد، به گونه‌ای که مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافت و این عامل باعث شد که خانواده‌ها وظایف رسیدگی به فرزند خود را به مؤسسه‌ها بسپارند و با فرزندان خود فاصله بگیرند.

مرحله دوم کودکی، یعنی دو تا هفت سالگی یا دوره نونهالی؛ در این مرحله، رشد سریع جسمی، کودک را برای تجربه و یادگیری بیشتر آماده می‌کند و به تدریج که بزرگتر می‌شود، به شبکه پیچیده‌تری از تجربه‌ها دست می‌یابد و از حواس خود هرچه بیشتر بهره می‌برد و به کمک راه رفتن، با محیطی گسترده و متنوع روبه‌رو می‌شود. بر خلاف دوران اول زندگی، در این دوره رفتار کودک کمتر قابل پیش‌بینی است؛ زیرا از این پس تجربه‌های محیطی و تأثیری که بر او می‌گذارد،

مسیر رشد کودک را تعیین می‌کند. در حالی که گاهی پدر و مادر بر اساس آن مواردی که خودشان فکر می‌کنند یا احساس می‌کنند که باید این‌طور درست باشد یا بچه‌های دیگر این‌طور رفتار می‌کنند، حدس می‌زنند که فرزندشان هم این‌طور هست، در حالی که هر کودک تحت تأثیر شرایط رفتاری از خود نشان می‌دهد. به‌طور نمونه در سؤالاتی که از والدین در خصوص نگرش پرسیده شده است این موارد مطرح بوده است که بزرگترین آرزوی شما چیست؟ چه رفتار پدر و مادر را دوست دارید؟ دوست دارد چه هدیه‌ای را برای پدر و مادرش بخرد؟

همچنین می‌توان بیان کرد که والدین به‌خاطر قابل مشاهده نبودن مسائل مربوط به علائق و نگرش در رفتار و صحبت‌های کودکان خود در زندگی روزمره نمی‌توانند شناخت و آگاهی درستی کسب کنند و به‌خاطر همین به سؤالات مربوط به این مؤلفه‌ها جواب‌های نادرست بیشتری داده‌اند. پدران، مادران اگر مراحل رشد و توانایی کودکان را به‌صورت کامل و درست بشناسند، در تربیت فرزند بهتر می‌توانند عمل کنند. نشناختن مراحل رشد کودک سبب افراط یا تفریط در تربیت می‌شود که هر یک از این دو، آثار ناگواری بر جای خواهد گذاشت که جبران این آثار، گاهی غیرممکن است. ضمناً بی‌توجهی به علائق و نگرش‌های کودک توسط پدر و مادر باعث می‌شود که در آینده استعدادهایشان شکوفا نشود و به‌خاطر اینکه دچار تعارض بین نگرش‌ها و علائق والدین با خودشان هستند از اعتماد به نفس و عزت نفس کافی برخوردار نباشند. خود پدر و مادرها نیز نتوانند کودک خود را که فردی منحصر به فرد است را بشناسند و همین امر باعث شود روش‌های تربیتی نامناسبی که با علائق و نگرش فرزندشان هم‌راستا نیست را در پی بگیرند تا کودک خود را آن‌طور که بخواهند پرورش دهند که منجر به مشکلات روانی در کودک می‌شود.

در تبیین یافته پژوهش مبنی بر عدم تفاوت بین پاسخ درست و غلط والدین در خصوص مؤلفه روابط بین فردی، می‌توان بیان کرد که سؤالات این مؤلفه بیشتر تحت تأثیر عادات کودک قرار دارد که جواب می‌دهند که دوست دارد پیش چه کسی بماند یا دوست دارد چه کسی برایش لالایی و قصه بگوید. والدین عادات کودک را بیشتر از علائق و نگرش‌های کودک خود می‌شناسند، به‌خاطر اینکه عادات کودک کمتر تحت تأثیر فکر و احساس والدین یا جو محیطی برنامه کودک شو قرار می‌گیرند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که پژوهش به بررسی سری سوم برنامه کودک شو پرداخته است و برای تعمیم آن به برنامه‌های دیگر تلویزیونی باید با احتیاط صورت بگیرد و مشکل در تخصیص یک سؤال به یک مؤلفه (به‌خاطر نزدیک بودن معانی مفاهیم تشخیص بسیاری از سؤالات برای قراردادن در یک مؤلفه). بنابراین با توجه به محدودیت‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده از مصاحبه حضوری با پدر و مادر استفاده شود تا امکان بررسی عمیق‌تر وجود داشته باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش

که نشان دهنده این است که والدین خیلی شناخت در قابلیت های فیزیکی و روانشناختی کودکان ندارند، پیشنهاد می شود، برنامه های تلویزیونی به صورتی باشد که این موضوعات را بیشتر تقویت کند. همچنین با توجه به عدم شناخت کافی والدین از ویژگی روانشناختی فرزندانشان پیشنهاد می شود برنامه ریزان و مسئولان برنامه ساز از یافته های به دست آمده برای آموزش و آگاهی دادن به والدین درخصوص کودکانشان استفاده کنند.

فهرست منابع

- Asadollahi, M., Jabraeili, M., Asghari Jafarabadi, M., Hallaj, M. (2016). Parents' Attitude Toward Child Abuse Conducted in the Health Centers of Tabriz. *Int J School Health*, 3(3), 1-6 <https://doi.org/10.17795/intjsh-31198> (Text in Persian).
- Baqherinejad Hesari, BF., Sharifi Rad, Gh.R., Golshiri, P., & Hassanzadeh, A. (2011). Knowledge and practice of mothers of children under 3 years old about monitoring the growth and nutritional development stages of the child. *Zahedan Journal of Medical Research*, 13 (1), 23-35 <http://dx.doi.org/10.32598/jhnm.32.3.2233> (Text in Persian).
- Beardslee, W. R., & Trustee, J. B. (2016). *Parenting Matters: Supporting Parents of Children Ages 0-8*. The National Academies Press. <https://doi.org/10.17226/21868>
- Bornstein, M. H. (2006). *Some metatheoretical issues in culture, parenting, and developmental science*. In Q. Jing, M. R. Rosenzweig, G. d'Ydewalle, H. Zhang, H. C. Chen, & K. Zhang (Eds.), *Progress in psychological science around the world* (pp. 245-260). UK: Psychology Press.
- Bornstein, M. H. & Cheah, C. S. L.. (2006). *The Place of Culture and Parenting in the Ecological Contextual Perspective on Developmental Science*. In K. H. Rubin & O. B. Chung (Eds.). *Parenting Beliefs, Behaviors and Parent-child Relations: A Cross Cultural Perspective*. New York: Psychology Press.
- Doroudy, H., & Ramezani, N. (2015). Investigating the role of television in consolidating the values of children and adolescent literature. *Media Studies*, 10 (29), 37-52 (Text in Persian).
- Graf, F. A., Roder, M., Hein, S., Muller, A. R., & Ganzorig, O. (2014). Cultural Influences on Socialization Goals and Parenting Behaviors of Mongolian Parents. *Journal of Cross- Cultural Psychology*, 45(8), 1317-1327. <http://dx.doi.org/10.1177/0022022114537702>
- Habibi, M. (2015). *A Study of Educational Categories in Children's Programs of Panj Sima Network*. Master Thesis in Communication Sciences, Islamic Azad University, East Tehran Branch (Text in Persian).
- Helisaz, M., Mazaheri, M.A., Panaghi, L., & Hassani, F (2014). Values of parenting of children aged 3 to 5 years. *Culture Strategy*, 29, 112-148 (Text in Persian).
- Hosseini Anjedani, M., & others (2009). The Role of Media in the Development of National Identity of Adolescents in Tehran. *Journal of Communication Research*, 2 (85) (Text in Persian).
- Isaac, R., Annie, I. K. & Prashanth, H. R. (2014). *Parenting in India*. In H. Selin (Ed.). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in non-Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.

- Keane, C., & Chapman, R. (2008). Evaluating nurses' knowledge and Skills in the Detection of Child Abuse in the Emergency Department. *Int Emerg Nurs*, 16(1), 5-13. <https://doi.org/10.1016/j.ienj.2007.11.006>
- Keshavarzmohammadian, H. (2012). *The degree of compatibility of the productions of Sima children's programs with the stages of education and development of children*. Master Thesis in Educational Psychology, Allameh Tabatabai University (Text in Persian).
- Khajeh, N., & Shayof, D. (2015). The Predictive Role of Parenting Styles in Emotional Intelligence of Students. *IJN*, 28 (97), 66-76 <http://dx.doi.org/10.29252/ijn.28.97.66> (Text in Persian).
- Melvin, D., & Everett, A. (2004). *Recognition of mass communication*. Translated by Sirius Moradi; Tehran: Faculty of Radio and Television (Text in Persian).
- Mokhtari, M., & Haghghian, M. (2015). Investigating Social Factors Affecting Parents' Attitudes Toward Childhood with Emphasis on Family Power Building. *Cultural Sociology*, 6 (4), 129-159 (Text in Persian).
- Park, J. H. & Kwon, Y. I. (2009). Parental Goals and Parenting Practices of Upper-Middle- class Korean Mothers with Preschool Children. *Journal of Early Childhood Research*, 7, 58-75.
- Rice, F. (2011). *Human growth (psychology of growth from birth to death)*. translated by Mahshid Foroughan (2011). Tehran: Arjmand Publications (Text in Persian).
- Saeed, Z., & Farahani, M. (2012). Investigating the Impact of Media on the Education and Development of Children and Adolescents. *Propaganda Educational Research Journal*, 1 (2) (Text in Persian).
- Schroeder, C. & Gordon, B (2002). *Assessment and treatment of childhood problems*. Translated by Mehrdad Firoozbakht (2014). Tehran: Danjeh Publishing. (Text in Persian).
- Sigel, I. E. & McGillicuddy-De Lisi, A. V. (2002). Parental Beliefs are Cognitions: The Dynamic Belief System Model. In M. H. Bornstein (Ed.). *Handbook of Parenting. Status and Social Conditions of Parenting*, 3, 485-508. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Tudge, J. R. H.; R. S. C. Lopes; C. A. Piccinini; T. M. Sperb; S. Chipenda-Dansokho; A. H. Marin; A. G. Vivian; D. S. Oliveira; B. Frizzo. & L. B. L. Freitas. (2012). Child-rearing Values in Southern Brazil: Mutual Influences of Social Class and Parents' Perceptions of Their Children's Development. *Journal of Family Issues*, 34(10), 1379-1400.
- Tulviste, T. & Ahtonen, M. (2007). Child-Rearing Values of Estonian and Finnish Mothers and Fathers. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 38(2), 137-155. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0022022106297297>
- WHO. Global status report on violence prevention 2014. Geneva: World Health Organization; 2014.

